

یادی از دکتر محمد قریب، اسوه پزشکان فداکار در روزهای سخت نبرد کادر درمان با کرونا

همسفر با دغدغه‌های مردم؛ از پاریس تا تهران



دکتر محمد قریب (نشسته) در جمع تعدادی از دانشجویان دانشکده پزشکی - اواسط دهه ۱۳۴۰

جواد نواتیان رودسری - این روزها که کادر درمانی کشور ما، آزمونی سخت و حساس را از سر می‌گذراند و پزشکان و پرستاران فداکار ایران زمین، با نثار جان خود، برگی زرین را در تاریخ ما رقم می‌زنند، یاد کردن از بزرگان طب ایران، آنان که هم طبیب جسم بودند و هم طبیب جان، کاری پسندیده و درخور به نظر می‌رسد. سرزمین ما، از دیرباز تا امروز، مهد پرورش بزرگ‌ترین پزشکان جهان بوده است؛ پزشکانی که افزون بر دانش، مجهز به سلاح اخلاقی بوده‌اند و کسوت شریف طبابت، برایشان دکان کسب درآمد نبوده است. اگر در خاطراتان باشد، در همین صفحه، از دکتر شیخ و دکتر حجازی، دو پزشک نیکو نام مشه‌دی یادی کردیم. امروز قصد داریم از بزرگ‌مردی یاد کنیم که در تاریخ پزشکی ایران، نامش چون ستاره‌ای می‌درخشد و حرمت لباس مقدس پزشکی را به رخ بینندگان می‌کشد؛ دکتر محمد قریب، بنیان‌گذار طب اطفال در ایران.

■ آغاز و انجام یک پزشک

دکتر محمد قریب، در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در تهران متولد شد؛ در خانواده‌ای اهل فرهنگ که اهتمام فراوانی به تحصیل فرزند داشت. محمد دوره‌های دبستان و دبیرستان را در مدرسه سروس و دارالفنون گذراند و سپس، برای ادامه تحصیل در رشته طب، راهی فرانسه شد. دکتر قریب تحصیلات پزشکی خود را در دانشکده طب پاریس گذراند؛ او نخستین پزشک ایرانی بود که در کنکور انترنی این دانشکده پذیرفته شد و استادان فرانسوی را به این باور رساند که ایران مهد پرورش و تربیت پزشکانی تأثیرگذار است. او پس از بازگشت به ایران، وارد دانشکده پزشکی شد و به تدریس طب پرداخت. از آن‌جا که عنوان رساله‌وی در فرانسه، «وقفه‌های تنفسی در نوزادان» بود، اهتمام فراوانی به ایجاد بخش اطفال در بیمارستان‌های ایران داشت. به همین علت، او را بنیان‌گذار طب اطفال در ایران می‌دانند. دکتر قریب در دوران زندگی خود، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که

بیش از آن‌ها، چون خود او، به پزشکان حادثی در عرصه طب اطفال تبدیل شدند. تلاش‌های او برای تأسیس بیمارستان اختصاصی اطفال، در سال ۱۳۴۷ به ثمر نشست و با نام «مرکز طبی کودکان» افتتاح شد. اما عمر آن مرد بزرگ، چندان دوام نیافت که حاصل تلاش‌های خود را ببیند؛ اول بهمن‌ماه سال ۱۳۵۳، دکتر محمد قریب بر اثر بیماری سرطان، در ۶۵ سالگی درگذشت. پیکر او به قم منتقل و پس از اقامه نماز توسط آیت‌الله العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، در آرامستان شیخان، مجاور حرم مطهر حضرت معصومه (س)، به خاک سپرده شد.

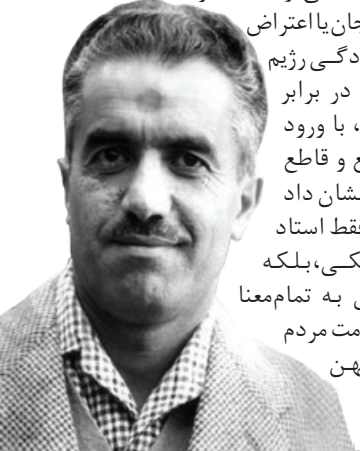
■ پزشکی مزین به زینت اخلاق

آن‌چه باعث می‌شود دکتر قریب را یکی از قلل پزشکی ایران به حساب آوریم، تنها حاذق بودن و توانمندی علمی نیست؛ آن مرحوم به معنای کامل کلمه، انسانیت را با رفتار و منش خود هجی می‌کرد و به زیردستانش می‌آموخت. او که در خانواده‌ای معتقد و مذهبی پرورش یافته بود، با تأسی به مولای متقیان (ع)، اهتمام ویژه‌ای به رسیدگی و دست‌گیری از درمندگان داشت. آن‌چه عظمت شخصیت دکتر قریب را

“

دکتر قریب عالی‌ترین مناصب دانشگاهی را داشت؛ نشان لژیون دونور فرانسه را به سینه‌اش آویخته بودند؛ عضو برجسته انجمن‌های علمی در پنج قاره بود؛ اما هیچ‌گاه از یاد نبرد که دانش، تنها وسیله‌ای برای خدمت است و مقامات این دنیا، چون خود آن، فانی و رفتنی هستند

دکتر محمد قریب از این جنس آدم‌ها نبود؛ او مردم، فرهنگ و میهنش را دوست داشت. دکتر لاپلان، از استادان وی در دانشکده طب پاریس درباره‌اش می‌گوید: «قریب با روحیه‌ای دوستانه اما روشن‌بینانه و حتی انتقادی با فرهنگ فرانسه برخورد کرد و از آن‌گزیده‌هایی که باعث استغنائی فرهنگی وی شد، برگرفت و توانست میان میراث نیاکان خود و علوم نوین غربی، آشتی برقرار کند.» آن مرحوم در طول زندگی حرفه‌ای خود، از اتفاقاتی که در کشور روی می‌داد، غفلت نمی‌کرد و در بزنگاه‌هایی مانند قحطی و جنگ در



آذربایجان یا اعتراض به وادادگی رژیم پهلوی در برابر آمریکا، با ورود به موقع و قاطع خود، نشان داد که نه فقط استاد پزشکی، بلکه انسانی به تمام معنا در خدمت مردم و میهن است.



به مناسبت ۲۶ مردادماه، سالروز ورود آزادگان به میهن

شکوه بازگشت مردان قبیله غیرت

علیه انقلاب و میهن بر زبان نمی‌رانند، کلمه اسیر واژه‌ای محدود و بی‌مسماست. هم از این‌روست که ملت برای فرزندان افتخارآفرینش، نام «آزاده» را برگزید؛ آزادگانی که حرمت میهن را با صوری پاس داشتند و درسی جاودانه به آیندگان دادند؛ این که پیروزی را فقط در معرکه نبرد نمی‌توان به دست آورد. تا امروز، ۳۰ سال از آن روز بزرگ گذشته است؛ از ۲۶ مردادماه سال ۱۳۶۹؛ از آن فرج بعد از شدت؛ از آن روزی که مام‌میهن برای فرزندان پرافتخارش دوباره آغوش گشود؛ از آن روزی که بغض‌های فروخورده چند ساله ترکید؛ برای مادر و پدر، برای همسر و برای فرزند، یک‌روز هم زمان زیادی است برای ندیدن عزیز؛ چه برسد به این که سالیان بسیار بر این مفارقت بگذرد و گاه، خبری هم از راه نرسد. ۲۶ مرداد برای تاریخ ایران، برگ زرین دیگری است؛ یاد و یادواره حماسه‌ای که تا دنیا باقی است، می‌ماند و یادآور بزرگ‌مردانی است که هر چند رنج اسارت، جسم‌شان را خسته و رنجور کرد، اما روح بزرگ و همت بلندشان را آسیبی نرساند. امروز، یادمان شکوهی جاودانه است؛ شکوه بازگشت مردان قبیله غیرت.

رودسری - صوری کردن، درسی است که از زینب (س) آموخته‌ایم؛ این که در مصیبت و رنج، در اسارت و زندان نیز، می‌توان سر بلند بود و آزادی را فریاد کرد. ۲۶ مردادماه هر سال، یادآور خاطره‌ای بس شورانگیز است؛ رهایی فرزندان دلاور این مرز و بوم، از بند اسارت رژیم بعثی عراق؛ بازگشت سرفرازانه آزادگانی که آزادی را با حضور و وجودشان، مفتخر کردند. برخی به اشتباه بر این باورند که اسارت، برای اسیر، پایان نبرد است و آغاز زیستن در تنهایی و گمنامی؛ اما وقتی پای دفاع از عقیده و پاسداری از مرز و بوم در میان باشد، اسارت نه فقط پایان راه نیست، بلکه شروع نبردی سنگین در جبهه‌ای دیگر است؛ جبهه‌ای که جز سلاح ایمان و توکل، بر دوش رزمنده نیست؛ این‌جا دیگر نمی‌توان فریادهای در گلو خفته را بانگ زد؛ باید صبر کرد و حرمان‌ها را دید؛ ستم‌ها را به جان خرید و خم به ابرو نیاورد که دشمن، در انتظار شکستن توست؛ فرو ریختن و پشت کردن به آن‌چه در مصاف علنی برایش سینه سپر کرده بودی. برای معرفی کسانی که زیر شکنجه‌های غیرانسانی استخبارات، صدای شکسته شدن استخوان‌های خود و همزمانشان را می‌شنیدند و کلمه‌ای



FARJAD ROCK CANDY
نبات زعفرانی فرجاد

www.farjadcandy.com

ارتباط با ما | ۰۵۱ - ۳۳ ۷۲ ۰۸۵۹
Contact us | 051 - 33 72 0859